

# بند باز بعد از سقوط

م. نکوکار

شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۰

آنجا که جنبش ازادیخواهی مردم ایران بیش از هر زمان دیگر نیاز به توجه افکار عمومی جهانیان دارد، آنجا که بیم آن میرود که جنایات رژیم خونریز جمهوری اسلامی علیه جوانان، زنان و همه مردم ایران در پشت غبار ناشی از ماجرا جوئی‌های اتمی‌رژیم از انظار جهانیان پنهان شود.....

در روزهای اخیر شاهد حرکاتی از جانب جمهوری اسلامی از یک طرف و برخی از کشورها از طرف دیگر به سرکردگی ایالات متحده هستیم.

هر یک از طرفین با ادبیات مخصوص به خود در حال رجز خوانی برای طرف مقابل میباشد:

• آقای لیبرمن با اشاره به اینکه برنامه اتمی‌رژیم ایران به مرحله‌ای از گسترش رسیده است که جهان را در آستانه چرخش بزرگ در تاریخ خود قرار داده است، افزود در صورت شکست تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا باید بی‌درنگ سیاست حمله نظامی علیه تا سیسات اتمی‌رژیم جمهوری اسلامی را در پیش گیرد. وی با اشاره به نتیجه گیری سازمانهای اطلاعاتی مقابله با جمهوری اسلامی را یک باید تاریخی! نامید.

• از طرف دیگر ابراهیم جباری فرمانده سپاه علی‌بن ابی طالب در همان روز نسبت به حمله اسرائیل هشدار میدهد و تهدید می‌کند که موشک‌های جمهوری اسلامی ستون فقرات اسرائیل را در هم می‌کوبد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همچنین وزیر دفاع و جانشین خامنه‌ای در سپاه در یکی دو هفته اخیر تهدیدهای مشابهی مطرح کرده اند.

• بهزاد سلطانی روز ۱۳ آوریل در سخنرانی در دانشگاه کاشان گفت " از ماه آینده با عضویت ایران در باشگاه هسته‌ای دنیا دیگر هیچ کشوری فکر حمله نظامی به ایران را در ذهن نمی‌پروراند "

• رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه مگوید از وجود طرح‌هایی برای حمله احتمالی به ایران از سوی ایالات متحده و اسرائیل آگاه است اما

چنین حملاتی پیامدهای فاجعه بار منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال خواهد داشت.

• بنیامین نتانیاهو با بیان اینکه ایران در مسیر ساخت جنگ افزار هسته‌ای حرکت می‌کند و قصد نابود کردن اسرائیل را دارد در مراسم بزرگداشت قربانیان هولوکاست اقدامات بین‌المللی را در قبال برنامه هسته‌ای ایران بیش از حد ملایم و ناکافی خواند. در همین مراسم آقای شیمون پرز هم با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران از جهانیان خواست که با آنچه وی تهدید به نسل‌کشی‌خواند مقابله کنند.

• سناتور مک کین هم گفت ایالات متحده در حالی‌از جنگ با ایران روی خود را بر میگرداند که تهران بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیکتر شده است. وی همچنین گفت اگر آمریکا شهادت بیشتری از خود نشان ندهد ایران به بمب اتمی‌دست خواهد یافت وی در ضمن ترسو و کمرو خواندن آمریکا گفت که آمریکا تفنگ مسلحی را بسوی ایران نشان گرفته اما جرات چکاندن ماشه را ندارد.

و به نظر میرسد که به این زودی‌ها پایانی برای این شاخ و شانه‌کشیدن طرفین متصور نیست.

### این مباحث و کشمکشها را از دو جهت می‌توان ارزیابی کرد:

• در خوشبینانه‌ترین حالت میتوان این گفتار و حرکات را جنگی زرگری ارزیابی کرد که هم در ایران و هم در ایالت متحده برای مصارف داخلی ایجاد شده است و هر کدام از طرفین تلاش دارد که با بزرگ نشان دادن خطر طرف مقابل مشکلات داخلی‌را پشت پرده این جنگ پنهان یا کمرنگ کنند.

• ارزیابی بدبینانه میتواند به این تحلیل منتهی‌شود که جمهوری اسلامی برای سرکوب کردن جنبش اعتراضی و برای اینکه موجودیت خود را چند صباحی تمدید کند تصمیم دارد ایران را درگیر جنگی تمام عیار کند و از طرف دیگر سرمایه داری جهانی‌که از غلبه بر بحران اقتصادی که دامنگیرش شده ناامید شده است و برای حل این بحران به دنبال راه انداختن جنگی دیگر در منطقه خاور میانه برای انتقال بحران است. البته به نظر من با توجه به ماهیت دو طرف اصلی این درگیری، احتمال جاری شدن این سناریوی آخر چندان هم دور از ذهن نیست.

و اما با هر دیدگاهی این قضیه را نگاه کرد و نتیجه و نهایت این اوضاع به هر سمتی‌که برود همانگونه که از همین الان پیداست در صورت

تداوم آن، در دراز مدت این مردم ایران و جنبش آزادیخواهی آنان است که ضربات را باید تحمل کند و قربانی بدهد. در این گیرودار مشاهده انفعال اپوزسیون خارج از کشور فقط با یک کلام میتوان توصیف کرد : دردآور.

آنجا که جنبش آزادیخواهی مردم ایران بیش از هر زمان دیگر نیاز به توجه افکار عمومی جهانیان دارد، آنجا که بیم آن میرود که جنایات رژیم خونریز جمهوری اسلامی علیه جوانان، زنان و همه مردم ایران در پشت غبار ناشی از ماجرا جوئی‌های اتمی رژیم از انظار جهانیان پنهان شود. به نظر میرسد که اپوزسیون خارج از کشور به دلایلی که برای خیلی‌ها مشخص نیست دچار سکوتی حیرت انگیز شده است. در حالیکه شرایط امروز و ضرورت افشای جنایات جمهوری اسلامی و طرفندهای آنان و نیروهایی که منافع خود را در ادامه موجودیت این رژیم و ادامه ماجرا جوئی‌های آنان می‌بینند، اساسی‌ترین میدانی است که در آن میتوان صداقت و ثابت قدمی نیروهای خواهان وحدت عمل را در عمل محک زد.

آیا با در نظر گرفتن شرایط مخاطره آمیز بین المللی از یک طرف و تشدید سرکوب، شکنجه، دستگیری و محدودیتهای روز افزون در داخل ایران

زمان آن فرا نرسیده است که تمام نیروهای آزادیخواه برای یک بار هم شده با کنار گذاشتن دگم های ایدئولوژیک و سیاسی، دست به اقدامی هماهنگ در جهت افشا و مبارزه با نقض گسترده حقوق بشر در ایران حرکتی یکدست و هماهنگ در سراسر جهان تدارک ببینند.

یا اینکه به جمهوری اسلامی و عوامل آن فرصت میدهم که با استفاده از درآمدهای نفتی که به مردم ما تعلق دارد با فراغ خاطر در حالیکه به وحشیگریهای داخل دامنه گسترده تری میدهد در کمال وقاحت دست به ایجاد باصطلاح خانه‌های ایران در سراسر جهان بزند تا در آینده بتواند تهدیدات و عملیات خود را بر علیه فعالان خارج از کشور بهتر سازماندهی کند؟

آیا فرصتهایی طلائی چون اول ماه مه، سالگرد ۲۲ خرداد و، و، و را در حالیکه گرفتار تنگ نظری هایی خود و همدیگر هستیم از دست خواهیم داد؟

در نهایت نسلی که بهمن ۵۷ و سالهای بعد از آنرا تجربه کرده است و امروز هم به دلیل تجربه و هم به خاطر مسئولیتی که از بابت آن سالها بر عهده دارد از آنها انتظار میرود که نقشی اساسی در حمایت از جنبش آزادیخواهانه مردم ایفا کنند، خصوصا با توجه به اینکه

امروز رهبران بیشتر گروه‌های سیاسی از این نسل هستند به نظر من باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد که:

\* آیا این نسل حالت بند بازی را پیدا کرده است که زمانی نه تنها از قبول هیچ خطری رویگردان نبود بلکه مسئولیت جان همقطاران‌ش را هم قبول میکرد، ولی بعد از یک بار سقوط از بلندی جرأت راه رفتن معمولی‌بر زمین سخت را هم ندارد؟

\* آیا بار دیگر با کم کاری و سهل انگاری خود هدایت جنبش آزادیخواهان مردمی را به نیروهای واگذار می‌کنیم که در بهترین حالت اگر خود تبدیل به دیکتاتورهای از نوع دیگر نشوند در نیمه راه به دلیل ماهیت و خواستگاه اجتماعی، اقتصادیشان پشت به آرمانهای مردم خواهند کرد؟

\* آیا میدانیم که در صورت شکست این جنبش، دیگر ۳۰ سال فرصت در اختیار نداریم که یک بار دیگر به بررسی اشتباهاتمان بنشینیم و راههای جبران این خطاها را جستجو کنیم؟